

حکیمی که معارف حکمی شیعه را رواج داد



حکیم شیخ محمد خراسانی گنابادی، حکیم، فیلسوف، محقق، عالم زاهد، ادیب، مدرس نامدار علوم عقلی و نقلی بود که از سال 1316 همه عمر خود را اصفهان گذراند و پس از عمری تلاش بی‌وقفه در احیای علوم و معارف حکمی شیعه گام‌های موثری برداشت.

حکیم شیخ محمد خراسانی گنابادی، حکیم، فیلسوف، محقق، عالم زاهد، ادیب، مدرس نامدار علوم عقلی و نقلی بود که از سال 1316 همه عمر خود را اصفهان گذراند و پس از عمری تلاش بی‌وقفه در احیای علوم و معارف حکمی شیعه گام‌های موثری برداشت.

به گزارش خبرگزاری فارس از اصفهان، تخت فولاد اصفهان هر قسمتش داستانی را در دل پنهان کرده است. قدمت تخت فولاد، یکی از قدیمی‌ترین قبرستان‌های جهان تشیع، افسانه‌ای شنیدنی است و وجود مقبره یوشع نبی در تکیه لسان‌الارض این قبرستان بر این موضوع صحه می‌گذارد، حکایت زندگی علمای بزرگ تشیع، نامداران و نام‌آوران مدفون در گوشه گوشه تخت فولاد، حکایتی شنیدنی است.

تخت فولاد در زمره گورستان‌های مهم ایران و جهان اسلام و دومین قبرستان تاریخی شیعه پس از قبرستان وادی‌السلام است که جمع زیادی از علمای تراز اول جهان تشیع، مشاهیر، ادبا و شاعران معروف در آن مدفون هستند و به همین جهت این گورستان، نمادی شاخص از هویت ایرانی در اصفهان است که سهمی از بارزترین دستاوردهای پیشین ادبی و فرهنگی را از گذشته‌های بسیار دور به نمایش می‌گذارد.

برای مشاهده مقبره حکیم شیخ محمد خراسانی گنابادی باید به تخت فولاد، تکیه ملک، همان جایی که استادش آخوند کاشی در آن مدفون است قدم گذاشت، تکیه‌ای که مقبره این حکیم بزرگ همچون نگینی ارزشمند در دل یکی از قدیمی‌ترین قبرستان‌های جهان می‌درخشد.

حکیم شیخ محمد خراسانی گنابادی، فرزند شیخ زین‌الدین حاج ملا محمدصادق بلندی گنابادی خراسانی، حکیم، فیلسوف، محقق، عالم زاهد، ادیب جامع، مدرس نامدار علوم عقلی و نقلی به ویژه حکمت اسلامی در قرن 14 (هجری قمری) از اهالی بیدخت، روستایی در مرکز شهرستان گناباد در سال 1290 هجری قمری در تربت‌حیدریه متولد شد.

شیخ محمد، مقدمات تحصیل خود را در زادگاهش و سپس در سبزوار خواند و در آغاز جوانی به مشهد سفر کرد. در حوزه علمیه مشهد به همراه شیخ محمدحسین فاضل تونی سطوح ادبیات، فقه، اصول و دانش‌هایی مانند حساب، نجوم و هیئت را فراگرفت سپس برای تکمیل دروس فقه و اصول راهی نجف شد اما به خاطر ناسازگاری آب و هوا طولی نکشید که از آنجا رهسپار اصفهان شد.

ورود او به اصفهان در سال 1316 هجری قمری به همراه دوست و هم شاگردی‌اش فاضل تونی بود. در آن زمان اصفهان مهد دانش و ملقب به دارالعلم بود و حوزه اصفهان از سطوح گرفته تا مراتب عالی و اجتهادی، اساتید و مدرسان میرزی در علوم نقلی و عقلی داشت و شیخ محمد خراسانی توانست در دانش‌های گوناگون ادبیات، فقه، اصول، حدیث، کلام، حکمت، عرفان، طب، ریاضیات، هیئت و طبیعیات، از محضر حکیمان و فقیهان برجسته‌ای استفاده و به جامعیت در علوم نامبرده دست یابد.

از جمله اساتید او در علوم عقلی و نقلی عبارت‌اند از آخوند ملا محمدکاظم خراسانی، آخوند ملا محمد کاشی، جهانگیرخان قشقایی، میرزا محمدباقر حکیم‌باشی، ملا محمدحسین فشارکی و دیگر اساتید معروف آن زمان بودند.

وی در فضل مراتب علم و دانش، در عصر خود بی‌نظیر بود و با آنکه در اواخر عمر، قوه حافظه‌ای بسیار تحلیل رفته بود بسیاری از آیات قرآنی و حکم و امثال تازی و قصاید عربی و فارسی را از برداشت. تاریخ ایران و عرب را به خوبی می‌دانست و با ادبیات فارسی آشنایی کاملی داشت.

شاگردان و راویان

حوزه درس حکیم خراسانی به ویژه در علوم عقلی و حکمی مرکز استفاده فضلا و دانشمندان عصر بود و حجره او در مدرسه صدر در حدود نیم‌قرن، محل اجتماع و رفت و آمد طلاب و پژوهشگران به شمار می‌رفت.

تعداد زیادی از بزرگان علمای شیعه در نیمه اول قرن 14 از محضر او بهره جستند که بسیاری از آنها در همان زمان از اساتید و مدرسان به نام حوزه‌ها و دانشگاه‌ها به شمار می‌رفتند.

از جمله شاگردان وی می‌توان به شیخ مهدی الهی قمشاهی، میرزا جلال‌الدین همایی، میرزا حیدر علی‌خان برومند، حاج میرزا علی آقا شیرازی، میر سید علی فانی، شیخ نورالدین اشنی، جمال‌الدین قدسی، سید مرتضی ظهیرالاسلام، سید عباس صفی دهکردی اشاره کرد.

مدرس چیره‌دست کفایه الاصول

آیت‌الله خراسانی از زمره فقیهان اصولی بود که متون فقهی و اصولی را به دقت نزد اساتید بزرگ فن مانند آخوند خراسانی و برخی از فقها و اصولیان بزرگ اصفهان مانند میر محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی و ملا محمدحسین فشارکی خوانده بود و مدرس متبحر متون مهم و پیچیده علم اصول مانند قوانین و کفایه در حوزه اصفهان به شمار می‌رفت.

وی بیشتر روزها و ایام خود را به مطالعه و تدریس و تربیت طلاب اختصاص داده بود و در شبانه‌روز چندین حوزه درس در علوم مختلف نقلی و عقلی به ویژه فلسفه داشت.

وی از حیث فضائل اخلاقی و بزرگی و علو همت و استغنائی طبع در عصر خود کم‌نظیر بود. به طوری که از آن دسته عالمانی بود که علم را برای دانستن و بکار بستن می‌آموخت.

آموزشگاه حکیم به مادیات تعلق نداشت و همه عمر در گوشه خلوت با بی‌نیازی و بلندهمتی به سر برد و همه دستگاه او عبارت از چند جلد کتاب بود و بس. او به دنیا و تجملات به دیده حقارت می‌نگریست و از طرز زندگانی خود کاملاً رضایت داشت و از این رو همواره خود را خرسند و نیک‌بین نشان می‌داد.

او 30 سال در حجره مدرسه صدر، مجرد و طلبه‌وار زیست. غذای خود را در همان حجره شخصی‌اش طبخ می‌کرد.

حکیم خراسانی به جهانگیرخان و آخوند کاشی به ویژه خان ارادت خاصی داشت و مانند آن دو مجرد زندگی کرد و با همان سبک و سیره شایسته خان اشتغال و در علم و عمل از استادان خود پیروی می‌کرد و او را حکیم محقق و انسان کامل می‌خواند.

سکونت‌گاه حکیم در مدرسه صدر، روزها محل اجتماع علما و شب‌ها محفل ارباب فضل و کمال و شماری از رجال حکمت و عرفان بود که پروانه‌وار گرد شمع او نور می‌گرفتند.

پس از پایان درس، محضر حکیم تبدیل به یک جلسه خصوصی می‌شد و جمعی از دانشمندان و حجره استاد حاضر می‌شدند و از محضر او استفاده می‌کردند.

در میان دوستان او، آیت‌الله ارباب به حکیم خراسانی بسیار علاقه‌مند بود و گاهی شب‌های جمعه از او دعوت می‌کرد که به اتفاق به منزلشان برود و استراحت کند و در آنجا به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند همچنین از دیگر بزرگانی که با حکیم انس و مراوده خاصی داشت، شیخ محمدباقر الفت اصفهانی بود.

دعوت از حکیم برای ریاست محکمه انتظامی قضا

در سال 1312 هجری شمسی هنگامی که داور وزیر عدلیه، وزارت دادگستری را بنیان کرد و از وجود آیت‌الله شیخ محمد حکیم خراسانی آگاهی پیدا کرد، ابلاغ ریاست محکمه انتظامی قضاوت وزارت دادگستری را برای ایشان صادر و حقوق او را نیز هر ماه یک‌صد تومان تعیین کرده بود.

آیت‌الله شیخ محمد حکیم خراسانی پس از عمری تلاش بی‌وقفه در رواج و احیای علوم و معارف حکمی شیعه سرانجام در بامداد شنبه، سال 1315 ه. ش در محل اقامت و تدریس خود، حجره مدرسه صدر در اثر سکنه قلبی چشم از جهان فروبست و در تخت فولاد، جنب استادش آخوند کاشی در تکیه ملک مدفون شد.

در وفات وی شعرا اشعاری سروده‌اند که از جمله اشعار وصال دهاقانی، همایی و دیگران را می‌توان نام برد.

همایی غزل «استادم برفت» را به همراه ماده تاریخ فوت استادش حکیم خراسانی سروده است که مطلع آن چنین است:

فکر شادی از دل غمگین ناشادم برفت بس که ماندم در قفس پرواز از یادم برفت

در ماده تاریخ وفاتش سروده‌اند: شمع دانش مرد از مرگ حکیم

البته این بیت را نیز در ماده تاریخ فوت او سروده‌اند:

بر سرش آمد طبیب و گفت به تاریخ شد به حقیقت روانه جان محمد

درباره افراد و خانواده آن حکیم ربانی همین اندازه آمده است که جد، پدر و برادران او از علما و دانشمندان روزگار خود بوده‌اند.